

چرا برخورداری از بهشت برای هر فرد متفاوت است؛ چه چیزی کیفیت بهشت را تعیین می‌کند؟

میزان برخورداری از بهشت برای هریک از ما چه قدر است؟

حتما خیلی از ما دوست داریم بدانیم که چه عاقبتی در آخرت انتظارمان را می‌کشد! ما در ایجاد بهشت و جهنم خودمان چه نقشی داریم؟ میزان برخورداری از بهشت برای هرکدام از ما به چه اندازه است؟ و آیا با ورود به آخرت پا به دنیایی می‌گذاریم که از قبل برایمان تدارک دیده شده یا نه؟

این قبیل سوالات در مورد اموری که دیر یا زود با آن مواجه می‌شویم، اما زمان رویارویی با آن هنوز فرانسیده، کاملا طبیعی است. ما حق داریم تا در مورد آینده ابدی خود و زندگی جاودانه‌ای که انتظارمان را می‌کشد، مطلع باشیم. چه بسا اطلاع از این موضوع نحوه زندگی ما را به کلی تغییر داده و منجر به اصلاح سبک زندگی ما شود؛ چون بنا بر قاعده نسبت می‌دانیم که رابطه عمیقی بین زندگی ما در این دنیا و کیفیت زندگی‌مان در آخرت و برخورداری از بهشت وجود دارد؛ اما اینکه زندگی فعلی ما چگونه منجر به این بهره‌مندی شده و ما در این میان دقیقا چه نقشی ایفا می‌کنیم، موضوعی است که بنا داریم در این درس به آن بپردازیم. اما پیش از پرداختن به این موضوع لازم است تا ابتدا موضوع قوامیت خداوند، بروز این صفت در خودمان و ارتباطی که با بهشت ما دارد را بررسی کنیم.

قیوم بودن خدا، عامل قوام عالم

یکی از صفات خداوند صفت قیوم بودن است؛ به این معنی که نه تنها خدا قائم به خود است که سایر موجودات عالم هم چه در وجود و چه در پایدار بودن وابسته به وجود خدا هستند؛ درواقع خدا در اصل وجود خود نیازی به دیگران ندارد، اما تمام موجودات عالم برای وجود خود به خدا نیازمند بوده و جلوه و

مظهري از او هستند؛ ما نیز به عنوان یک انسان از این قاعده مستثنی نبوده و در همه حالات، شئون و ابعاد وجودی مان وابسته و قائم به وجود خداییم.

اما همان‌طور که پیش‌تر نیز به آن اشاره کردیم، هدف از خلقت ما در نهایت شباهت به الله و ظهور اسماء و صفاتیست که به‌طور بالقوه در وجودمان قرار داده شده است. از همین رو خداوند در نامه خود به انسان راه یافته به بهشت جاودان، او را حی قیوم خطاب می‌کند. به این ترتیب انسانی که عمری در دنیایی زیسته که از کوچکترین ذرات آن گرفته تا بزرگترین اجرامش از خود استقلالی نداشته و وابسته به وجود خداوند بوده‌اند، قدم به عالمی می‌گذارد که شرایط، موقعیت‌ها و امکاناتش علاوه بر وجود بی‌نهایت خدا به خود او و نفسش نیز وابسته‌اند. در حقیقت نفسی که در مدت محدود عمر دنیایی‌مان آن را شکل داده‌ایم، محصول کاشته‌های خود در مزرعه دنیا را در آخرت برداشت کرده و کیفیت زندگی ابدی خود در عالم آخرت را شکل می‌دهد.

مدرسه یا دانشگاهی که در آن تحصیل کرده‌اید را در ذهن خود بازسازی کنید. با تمرکز و توجه شما، اجزای مختلف آن (حیاط، کلاس‌ها، نیمکت‌ها و...) در ذهن شکل می‌گیرند. اگر ذهنتان را به تصویر دیگری معطوف کنید، تصویر اولیه هم از بین می‌رود؛ نه به این معنا که واقعاً نابود شود، بلکه دیگر در ذهن حضور ندارد، اما به محض اراده مجدداً شما دوباره شکل می‌گیرد. این تصویر:

- زنده است، چون هر بار که بخواهید، می‌توانید آن را دوباره خلق کنید.
 - وابسته به اراده شماست؛ اگر نخواهید، وجود ندارد.
 - تحت کنترل شماست؛ می‌توانید تغییرش دهید، حذفش کنید یا جایگزینش کنید.
- این تصویر ذهنی، نمونه‌ای ساده از یک حقیقت بزرگ‌تر است؛ وجود انسان نسبت به خداوند نیز همین‌گونه است:

- انسان لحظه به لحظه در حال دریافت «فیض وجود» از خداست.

- وجود انسان وابسته و قائم به خداوند است.

- این وابستگی، مانند وابستگی تصویر ذهنی به ذهن ما، دائمی و مستمر است.

ما از خودمان هیچ استقلال وجودی‌ای نداریم؛ تمام آن‌چه داریم، وابسته به اراده و خواست خداوند است و اگر خدا اراده کند، فانی شده و به اصل هستی که وجود خداست، برمی‌گردیم؛ اما در ادامه به ارتباط میان این مثال با موضوع آخرت و برخورداری از بهشت خواهیم پرداخت.

بهشتی که ما می‌سازیم

در واقع کیفیت آنچه در آخرت با آن رو به رو می‌شویم نیز وابسته به نفس ماست؛ یعنی بهشتی که در آخرت می‌سازیم و جهنمی که با آن مواجه می‌شویم، از خود نفس ما نشأت گرفته و قائم به نفس ما هستند. ما در همین دنیا و از همین‌جا در حال ساختن بهشت و جهنم خودمان بوده و کیفیت زندگی ابدی‌مان را رقم می‌زنیم؛ در واقع کیفیت و میزان برخورداری از بهشت که به فرموده خدا وسعتی به اندازه آسمان‌ها و زمین دارد، وابسته به ما بوده و این مائیم که به بخش‌های مختلف آن موجودیت و قوام می‌دهیم؛ شهرها و کشورها، قصرها و کارکنان و خدمتگزاران آن و حتی آبشارها، درختان و میوه‌هایی که در بهشت ما موجودند، همه از شئون نفس خود ما هستند.

پس در حقیقت ما به میزان وسعت نفس خودمان، بهشتمان را می‌سازیم؛ یعنی برای هر یک از ما به عنوان انسانی که خلیفه خدا هستیم، بهشتی به وسعت آسمان‌ها و زمین قرار داده شده و کیفیت پر کردن چنین بهشتی با ما و وابسته به نفس ماست؛ درست مانند اینکه به هرکدام از ما خانه‌ای به وسعت چند هزار متر اختصاص دهند، اما پر کردن چنین خانه‌ای را به ما و توانایی‌های مختلفی که داریم محول کنند. خب طبیعی است که کسی که از دارایی‌ها و تجهیزات بیشتری برخوردار بوده و برای هریک از قسمت‌های این خانه

وسایل و لوازم کافی دارد، توان ایجاد خانه‌ای زیباتر و مجهزتر را داشته و به همین نسبت هم از آسایش و راحتی بیشتری برخوردار است. از طرفی کسی که خود را برای چنین شرایطی آماده نکرده، علی‌رغم داشتن خانه‌ای با این وسعت مدام در حسرت و عذاب است؛ چون به جای برخورداری از کاخی مجلل، حتی از توان لازم برای نگهداری از حداقل چیزهایی که به او داده شده هم برخوردار نیست.

برخورداری متناسب با دارایی ما

همان‌طور که یک جنین به دنیایی متولد می‌شود که از قبل وجود داشته و به میزان اندامی که با خود به دنیا می‌آورد از امکانات و تجهیزات دنیا بهره‌مند می‌شود یا به میزانی که دچار نقص و کمبود است، حسرت استفاده از حداقل‌های دنیا را داشته و حتی به رنج و عذاب مبتلا می‌شود؛ ما نیز با ورود به آخرت با بهشتی رو به رو هستیم که از قبل وجود داشته. اما کیفیت زندگی و حتی حضور ما در این بهشت به میزان ابزارسازی ما در دنیا و اسماء و صفاتی بستگی دارد که در قالب قلب خود به آخرت برده‌ایم.

در حقیقت ما به میزان این اسماء و صفات است که به خدا شباهت پیدا کرده، توانایی سلطنت در بهشت خود را داریم و می‌توانیم از زندگی و پادشاهی در مراتب متفاوت بهشت بهره‌مند شویم. پس برخورداری از بهشت به میزان دارایی‌هایی بستگی دارد که ما از دنیا با خود برده‌ایم. از طرف دیگر در صورت مجهز نبودن به ابزار لازم و اسماء و صفات خدا یعنی به میزان عدم تطابق و هماهنگی با حداقل‌های بهشت دچار حسرت شده و یا حتی به رنج و عذاب مبتلا می‌شویم.

پس می‌توانیم بگوییم که میزان برخورداری از بهشت و فهم اینکه چه بهشتی انتظار ما را می‌کشد و یا چه جهنمی را برای خود ساخته‌ایم، کاملاً به میزان دارایی‌های ما در آخرت و اسماء و صفاتی که در زندگی دنیا کسب کرده‌ایم بستگی دارد.